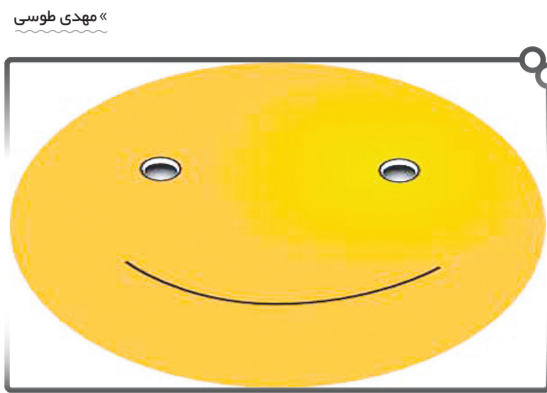


طنز

فندهای بلند



طرف به حیف نون می گه من به تمساح پیدا کردم چیکارش کنم؟  
میگه ببرش باغ وحش.  
فردا حیف نون می گه پردیش؟  
طرف می گه: آره. تازه امشب هم می خوام ببرمش سینما!  
\*  
طرف زنگ زده به تعمیرکار کولر میگه:  
- آقا کولرمون خراب شده میان برای تعمیر؟  
تعمیرکار: کولر تون آبییه؟  
طرف: فقط دورش آبییه وسطش سفیده!

حسی که برای زنگ ورزش به خصوص تو دبستان داشتیم، حتی برم لالیگام به دست نییاد! اصلا شب قبلش خوابم نمی برد!  
\*  
مورد داشتیم که طرف تو اعلامیه پدرش نوشته:  
از وقتی رفتی گرمی از این خونه رفته...!  
یعنی خیلی ریز به موضوع خاموش کردن کولر اشاره کرده!  
\*  
روزگاری مردی سامورایی می زیست که می توانست به تنهایی ۱۲ مرد جنگجو را شکست دهد.  
روزی ۱۳ مرد جنگجو به او حمله کردند و دمسار از روزگارش در آوردند!  
\*  
کامپیوترم به درجهای از کندی رسیده که وقتی دابل کلیک می کنم رو مای کامپیوتر بعد ۵ دقیقه پیغام می ده: داداش کجا رو کلیک کرده بودی؟!  
\*  
"دهن منو اونکن چیست؟"  
تهدیدیدی تو خالی که معمولا با جمله "واکن ببینم چی می خوای بگی" خاتمه می یابد!

اسماعیل امینی در نشست «طنز خلاق»

تمام کارکرد طنز، خندانند مخاطب نیست



متن سخنرانی اسماعیل امینی در اولین نشست موضوعی «طنز خلاق» در نقد و بررسی کتاب «نیشدارو» شروین سلیمانی است. «هم چو عکس آب تشویش از بنای ما نرفت  
مرتضی بوده است گویی پنجهی معمار ما»  
اصل تفاوت شعر و غیر شعر در این است.  
منزوی می گوید: «تسیم نیست، نهای بیم است، بیم دار شدن  
که لوزه می فکند بر تن سپیداران  
زباله های بلا می برند جوی به جوی  
مگو که آینهی جاری اند جویاران»  
چیزی که ما به عنوان طنز می شناسیم به تسامح می گوئیم و عیبی هم ندارد. خیلی از کلمات دیگر را هم به تسامح به کار می بریم. اجمالا به این گونه از منظومه ها که نسبت به مسایل، رویکرد شوخ طبعانه دارند شعر طنزی می گویند. ولی یادم آن باشد که خیلی از جاهای که شعر است و نه طنز است، منتها امروزه به هر متن شوخ طبعانه ای طنز می گویند. در قدیم طنز نمی گفتند. مثلا توفیق یا مثلا باباشمل بیشتر فکاهی می گفتند. طنز از دهه پنجاه به بعد رایج شد.

اصل ماجرا این است که در گذشته، جای زیادی برای عرضه حضوری طنز نبوده است؛ لذا سروده های طنز از طریق نوشته منتقل می شده. چه در نسیم شمال، چه بعدها در چلنگر، چه در نشریات دیگر، جایی نبوده که دور هم بنشینند و برای مردم شعر بخوانند. این پدیده ای جدید است و از فضاهای جدید، به همین دلیل چون رابطه میان مولف و مخاطب رابطه مستقیم نبوده است، مولف به ماندگاری اثر و گستردگی دایره مخاطبش و فرا زمانی بودنش توجه می کرده است. توجه داشته که این اثر را آدم کم بسواد و بی سواد هم می خواند. اهل این شهر و آن شهر هم می خوانند.  
حالا چون مخاطب اغلب رو به روی مولف نشسته، واکنش مخاطب را می بیند. من پنج تا شعر می گذارم و می بینم که مثلا سومی ده هزار بازدید داشته، دفعه بعد که می خواهم شعر بگویم روی ذهنیتم تاثیر می گذارد و از همان نوع می گویم. پس از مدتی من دیگر مولف نیستم. مولف مخاطبانی هستند که به من خط می دهند. آن ها هستند که می گویند چه بگویم. نه تنها در شعر طنز که در خیلی از چیزها این اتفاق افتاده. بعد از مدتی دیگر کار خلاقه نمی بینیم. چیزهایی

تندر عکس

«تیام: ولم کن.... بخار ببینم چرا نمی ذاره من گل بز نم!»



ایستگاه

معرفی میدتترین مجموعه شعر طنز «ممد صالحی آرام»  
"مشکل مکایتی است" که طنزیم می کنند

اکبر اکسیس: تازه ترین اثر منظوم «محمد صالحی آرام»، از پیشکسوتان طنز معاصر، از سوی انتشارات مروارید به علاقه مندان حوزه طنز و ادب تقدیم شد. «مشکل حکایتی است». عنوان این دفتر شعر طنز است که مشتمل بر حدود ۷۰ شعر کوتاه و بلند طنز است. صالحی آرام، از روزنامه نگاران با سابقه و از قدیمی های هیات تحریریه روزنامه اطلاعات است که به موازات کار خطیر روزنامه نگاری، شاعری و طنزپردازی را نیز به خوبی پیش برده است. چند سالی نیز سردبیری نشریه خبری وزارت آموزش و پرورش، «نگاه»، را برعهده داشت. صالحی آرام، بیش از چهاردهه با نام های مستعار: صالح الشعراء، ملاصالح، آقاخوشخیال، دادا و امیرزاصالح در مجلات گوناگون تهران منصور، فردوسی، اطلاعات هفتگی، گل آقا، فکاهیسون و طنزپارسی قلمزنی کرده است. از کارهای طنز او در روزنامه اطلاعات می توان «زیر آسمان کبود»، «طنز و حکایت» و ستون «قابل عرض» را نام برد. از کتاب های پیشین او می توان به: «شکل دگر خندیدن» (شعر طنز / نشر کویه) و «همچو شرر خندیدن» (شعر طنز / مؤسسه اطلاعات) اشاره کرد. زنده یاد «دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی» در باب صالحی آرام نوشته است: «طنزپردازان، هرکدام سبک مخصوص به خود دارند. و این جرید و مجلات هستند که میدانی برای آنها فراهم می کنند. از ملانصرالدین وامثال آن که بگذریم، به توفیق و باباشمل و حاجی بابا و چلنگر و امثال آنها می رسیم و اینک در العقد این سبک، همان نامه مشکین ختامه گل آقا است و البته در مقام طنز جرید عموما عمرشان کوتاه است — و جریدای مثل توفیق یا همین گل آقا که چند صباحی پاییده اند، از پوست کلفتی خودشان است. اما نباید فراموش کرد که بسیاری از طنز نویسان بزرگ در دامن جدی ترین جرید وقت پرورش یافته اند. و من تنها اشاره کنم به همان گل آقا و همین امیرزاصالح مورد بحث خودمان که به هر حال، هر دو کار مستمر خود را از اطلاعات شروع کردند که قدیم ترین روزنامه باقی مانده از روزگار مشروطه است. محمد صالحی آرام/امیرزاصالح، که من ظاهر او را آرام ترین طنز نویس معاصر می توانم خطاب کنم؛ از همکاران قدیم مطبوعاتی است و در جریدای که دیگر تنها نامی از آنها می توان یافت، مثل تهران مصور و تشکیکات و کاریکاتور و فردوسی و فکاهیسون و گل آقا، شعر و یادداشت می نوشته است. و اینک بسیاری از آن یادداشت ها و شعرها را گرد آورده و به صورت کتابی درآورده است. اما درباره کتاب صالحی آرام باید گفت: نه، آن قدرها زودگذر هم نیست که بگوییم:  
شوری بود و در هوا افسرد  
در تازی این زمان و در من مرد  
بلکه سال های سال باقی خواهد ماند. تسکین دهنده است. همان آب آتش سوزی است که مستی می آورد، بدون آن که آدم را به هشتاد تازینانه محتسب آشنا کند.»

**دادنامه**  
پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۱۶۳۳۰۱۱۹۶ شعبه ۲۰۸ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید منتخ تهران - خواهان آقای هادی عزیزی باشاری فرزند احمد به نشانی تهران پاسور غربی میدان دانشگاه جنگ روبروی دانشکده فرماندهی و ستاد - ب ۶ روکش کارلوکس - خواندگان ۱. آقای مسعود آکیش ۲. آقای حمید خالقی عینچی ۳. آقای جواد خالقی عینچی - ۴. شرکت میناق تجارت آریا به نشانی تهران انتهای بلوار اشرقی اصفهانی به سمت حصارک نیش خیابان اقبال پول ساختمان پیوند ط ۴ واحد ۱۲ - خواسته افسار از پرداخت هزینه دادرسی - گردشکار خواهان دادخواستی به خواسته فوق بطرفیت خواننده بالا - تقدیم دادخواست به وقت فوق العاده / مقرر دادگاه به تصدی امضاءکننده زیر - تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر پیادون به صدور رای می نماید.  
**رای دادگاه**  
درخصوص دعوی هادی عزیزی باشاری بطرفیت خواندگان شرکت میناق تجارت آریا جواد خالقی عینچی و مسعود آکیش و حمید خالقی عینچی بخواسته صدور حکم بر اعسار از پرداخت هزینه دادرسی نظر به اینکه حسب ادعای خواهان وی معسر بوده و قادر به تادیه هزینه دادرسی دعوی مطرحه نمی باشد و این ادعا توسط گواهان تعرفه شده خواهان که ذیل استنادیه محلی را امضا نموده اند مورد تأیید قرار گفته است و نظر به اینکه خواننده در قبال دعوی مطرحه ایراد و دفاعی به عمل نیاورده است لذا دادگاه مستنآ به مواد ۵۰۴ و ۵۱۴ قانون آئین دادرسی مدنی حکم بر اعسار خواهان از پرداخت هزینه دادرسی و معافیت موقت وی از پرداخت تمام آن صادر و اعلام نماید. بدیهی است هرگاه معسر به تادیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی متکثر گردد ملزم به تادیه آن خواهد بود همچنین اگر خواهان در دعوی اصلی محکوم له واقع شود و از اعسار خارج گردد هزینه دادرسی از او دریافت خواهد شد رای صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر است تهران آستان  
رئیس شعبه ۲۰۸ دادگاه حقوقی تهران  
۱۳۹۷/۰۵/۲۸-۷۹۱

**رونوشت آکهی حصر وراثت**  
خواهان رونوشت حصر وراثت مهین دخت امیری چیمه فرزند عزیزاله به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۷۰۹۹۸۱۰۲۵۷۰۰۰۹۹۹ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عزیزاله امیری چیمه به شماره شناسنامه ۳۰۷ در تاریخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفت و ورثه حین الفوت آن منحصراست به: ۱. مهین دخت امیری چیمه به ش.ش ۴۳۴۰ صادره از تهران - فرزند متوفی ۲. امیرحسین امیری چیمه به ش.ش ۲۶ صادره از نطنز- فرزند متوفی ۳. پروین دخت امیری چیمه به ش.ش ۲۱۶۶ صادره از تهران - فرزند متوفی ۴. مه دخت امیری چیمه به ش.ش ۶۰۰۲ صادره از تهران - فرزند متوفی ۵. سیمین دخت امیری چیمه به ش.ش ۴۸۹ صادره از تهران - فرزند متوفی ۶. امیرحسین امیری چیمه به ش.ش ۶ صادره از نطنز- فرزند متوفی - اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آکهی می گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و بنا وصیت نامه ای از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آکهی ظرف مدت یکماه به این دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.  
مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شعبه ۱۵۷ مجتمع شماره چهار شورای حل اختلاف شهر تهران  
۱۳۹۷/۰۵/۲۸-۷۹۳

**رونوشت آکهی حصر وراثت**  
خواهان رونوشت حصر وراثت شبنم شعبانی نیا فرزند زین العابدین به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۷۰۹۹۸۱۰۲۵۷۰۰۰۹۹۹ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان زین العابدین شعبانی نیا به شماره شناسنامه ۱۳ در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۰۳ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفت و ورثه حین الفوت آن منحصراست به: ۱. شبنم شعبانی نیا به ش.ش ۳۴۵۵۵ صادره از تهران - فرزند متوفی ۲. نیره شمس الدینی به ش.ش ۳۶ صادره از شیراز - همسر متوفی ۳. شهاب الدین شعبانی نیا به ش.ش ۱۴۳۰۰ صادره از تهران - فرزند متوفی ۴. شهرام شعبانی نیا به ش.ش ۴۶۳۶ صادره از تهران - فرزند متوفی ۵. شقایق شعبانی نیا به ش.ش ۵۴۴۹ صادره از تهران - فرزند متوفی - اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آکهی می گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و بنا وصیت نامه ای از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر آکهی ظرف مدت یکماه به این دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.  
مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شعبه ۱۵۷ مجتمع شماره چهار شورای حل اختلاف شهر تهران  
۱۳۹۷/۰۵/۲۸-۷۹۴